



13 دسمبر 2017

داکتر سید عبدالله کاظم

## مختصری درباره تاریخچه لویه جرگه ها در افغانستان (بخش دهم)

### 5- لویه جرگه سال 1334 ش در مورد معضله پشتونستان:

این لویه جرگه با در نظر داشت تیره شدن روابط بین افغانستان و پاکستان بنا بر پیشنهاد محمد داؤد صدراعظم و موافقت حضور اعلیحضرت محمد ظاهر شاه ساعت 2:30 بعد از ظهر روز 22 عقرب در تالار قصر "ستور" با اشتراک 371 نفر دائر شد. لویه جرگه با تلاوت آیات قرآن مجید و نطق شاهانه افتتاح گردید و حضور اعلیحضرت به محمد نوروزخان (رئیس دوره نهم شورای ملی) هدایت داد تا جرگه یکنفر را به نیابت شاه به حیث رئیس لویه جرگه انتخاب کند و محمدگل خان مهمند وکیل "ترنگ" و "باسول" ولایت مشرقی به نیابت رئیس لویه جرگه برگزیده شد. در قدم بعدی محمد داؤد صدراعظم در عصر همان روز بیانیه خود را ایراد کرد. لویه جرگه بعداً بروزهای 23 و 24 عقرب مباحثات خود را پیرامون بیانات صدراعظم ادامه داد و یک کمیونی را توظیف نمود تا فیصله نهائی لویه جرگه را تسوید و به مجلس آخر یعنی 27 عقرب جهت تصویب ارائه کند.

در اینجا برای درک بهتر موضوع قبل از آنکه به محتوای تصویب نهائی لویه جرگه پرداخته شود، جا دارد تا مختصری در باره چگونگی بروز معضله پشتونستان و مشکلات ناشی از آن در روابط بین دو کشور افغانستان و پاکستان و لزوم تدویر لویه جرگه مطالبی بعرض برسد. اگرچه بیانیه مبسوط و همه جانبه محمد داؤد صدراعظم در روز افتتاح لویه جرگه بذات خود شرح مستند موضوع است، اما با آنها مقدمه ذیل میتواند در وضاحت مزید معضله کمک کند.

### نگاه مختصر بر پس منظر معضله:

در 15 اگست 1947 دولت پاکستان تأسیس شد و اما انگلیس تا سال بعد اداره مستقیم سرحدات آزاد و بلوچستان را در اختیار داشت. در حالیکه انگلیس در سال 1950 پاکستان را وارث خویش در آنطرف دیورند اعلام نمود و مقارن به همین وقت ایالات متحده امریکا خط دیورند را به حیث سرحد بین المللی بین افغانستان و پاکستان شناخت که در اینصورت قبایل آزاد و بلوچستان شامل خاک پاکستان تلقی شد. حکومت افغانستان از مدت تقریباً پنج سال (از 1943 تا 1947) که مقدمات تقسیم نیم قاره بین هند و پاکستان مطرح بحث بود، ادعای جدی در مورد آینده سرزمین های پشتون آنطرف خط دیورند به زبان نیاورد و در موضوع ریفراندمی که به این منظور رویدست گرفته شد، موضوع به نحوی پیش رفت که در جوار صندوق پاکستان قرآن مجید را و در جوار صندوق هندوستان کتاب "گرنگ" را گذاشتند. لذا به مردم پشتونستان این حق را ندادند تا در این ریفراندم در مورد سرنوشت خود تصمیم بگیرند که میخواهند زیر سلطه پاکستان باشند، یا برای خود یک دولت مستقل را تشکیل نمایند و یا اینکه خواستار پیوستن با برادران خود در افغانستان شوند. انگلیس ها احساسات مسلمانان

د پانو شمیره: له 1 تر 12

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

هند و نیز پشتونهای ماورای دیورند و بلوچ ها را به بازی گرفتند و پشتونها البته با فیصدی کم در این ریفرا ندم اشتراک کردند و به حرمت کلام الله مجید به نفع پاکستان رأی دادند.

دولت افغانستان بعد از انجام ریفرا ندم ملاحظات خود را با پاکستان مطرح کرد، وقتیکه کار از کار گذشته بود. اولین عکس العمل حکومت افغانستان وقتی بروز کرد که موضوع عضویت پاکستان در ملل متحد مطرح شد، آنوقت نماینده دائمی افغانستان عبدالحسین خان عزیز در موضوع رأی منفی داد. اگرچه متعاقباً زیر فشار های وارده از هر طرف رأی منفی را برگرفت، اما مخالفت بین افغانستان و پاکستان از همانجا آغاز گردید.

در همین موقع مردم پشتونستان آرام نگرفتند و به احتجاج پرداختند. در 21 جون 1947 به تعقیب اعلامیه انگلیس مبنی بر تخلیه هند، در "بنو" جرگه عظیمی را برپا نمودند که در آن نمایندگان تمام پشتونستان اعم از آزاد، محکوم و بلوچستان به شمول احزاب خدائی خدمتگاران، جمعیت العلمای سرحد و زلمی پشتون شرکت کردند و فیصله نمودند که: «پشتونها نه هند میخواهند و نه پاکستان، بلکه میخواهند درین کشور یک حکومت آزاد پشتون براساس جمهوریت اسلامی تشکیل شود». در همین حال تعداد کثیر جوانان زلمی پشتون (بیش از 20 هزار نفر) حاضر شدند برای این هدف جان های خود را فدا کنند، لاکن خان عبدالغفار خان به تأسی از سیاست عدم خشونت گاندی مانع آنان شد.

روز نهم سنبله 1327 (مطابق 30 آگست 1948) اولین جرگه عمومی و مهم قبایل مومند، صافی آزاد، چارسنگ، شموزائی، افریدی، اورکزائی، شینوار، لواری، شلمان، وزیر، مسعود (میسود) در "چهار سده" دائر گردید و آنها معاهده مهم اتحاد ملی و تشکیل پشتونستان را اعلام نمودند. در این جلسه میرزا علی خان مشهور به "فقیر ایبی" به حیث رئیس انتخاب شد که مشی خود را طی سه ماده چنین بیان کرد:

1 - از حکومت پاکستان مطالبه میکنیم که تمامیت و استقلال پشتونستان خاک هفت ملیون افغان را از راه صلاح و امن اعتراف کند و از امروز تمام مامورین و ایجنت های ملکی و لشکری خود را امر کند به صورت فوری از تمام نقاط پشتونستان بیرون روند. اگر چنین نکنند، مسئولیت عواقب وخیمی که در اثر این لجاجت حکومت پاکستان واقع شدنی است، هم نزد خدا و هم نزد مؤسسه ملل متحد بدوش حکومت پاکستان خواهد بود.

2 - چون وسایل نشراتی ما ناقص است از دولت برادر خود افغانستان که همواره با پشتونستان همدردی صمیمی دارند، خواهشمندیم اطلاعات و پروگرام ما را مربوط به پشتونستان درجرا یید و رادیوی افغانستان نشر کنند. [به این اساس پروگرام "دا پشتونستان زمونر" از طریق رادیو کابل بعداً رادیو افغانستان به نشرات آغاز کرد. بعضی ها فکر میکنند که شعار "دا پشتونستان زمونر" ادعای افغانستان را معنی میدهد، در حالیکه چنین نبود بلکه آواز وندای مردم پشتونستان را بیان میکرد - کاظم]

3 - از مؤسسه ملل متحد و مراکز عدالت پسند دنیا خواهشمندیم پشتونستان را بحیث یک مملکت آزاد و یک عضو حساس خود بشناسد و حکومت پاکستان را مجبور سازند تا به تمامیت و آزادی خاک پشتونستان اعتراف کند. « (برای شرح مزید در این باره دیده شود: "آیا پشتونستان هنوز هم یک داعیه است؟"، نوشته: داکتر مهدی که نخست در نشریه "همبستگی" و بعد در نشریه "میزان" - سال پنجم شماره 68، مورخ 20 حوت 1379ش مطابق 11 مارچ 2001، چاپ دهلی تجدید طبع شده است)

د پانوی شمیره: له 2 تر 12

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

به استقبال از این اعلامیه و متعاقباً بمبارد منطقه "مغلی" (1) درپکتیا که بوسیله طیارات پاکستانی صورت گرفت در اوایل سرطان 1328 در شهر جلال آباد جرگه بزرگی با شرکت تعدادی از نمایندگان دولت، مردم پشتونستان و مردم افغانستان دائر شد و اما آنها در شعارهای خود پا فراتر گذاشتند و اعلام کردند که «خط مرده دیورند» را قبول ندارند. به تاسی از این اعلامیه، شورای ملی (دوره هفتم) بتاريخ 10 سرطان 1328 (مطابق 30 جون 1949) مَهر تائید بر این ادعا گذاشت و معاهده دیورند را فاقد اعتبار دانست. این همان فیصله است که بعدها در اذهان عامه و حتی بسیاری از سیاسیون و دولتمردان افغان تا امروز در ارتباط برسمیت نشناختن خط دیورند مورد استناد قرار میگیرد، درحالیکه این داعیه درلویه جرگه 1334 که مشخص بر موضوع پشتونستان دائر گردیده بود، مطرح نشد و شامل تصویب و فیصله نامه آن نگردید و فقط در فیصله نامه شورای ملی مورخ 23 میزان همان سال ضمناً تذکر یافت.

در این ارتباط باید خاطر نشان کرد که فیصله فوق الذکر شورای ملی بطورکل بر مبنای دلائل ذیل استوار بود: - تحمیلی بودن معاهدات گذشته؛ - جانشین نبودن دولت پاکستان و نداشتن امتیاز آن دولت از مزایای "حقوق جانشینی"؛ - و عدم موجودیت دولتی بنام پاکستان در زمان امضای معاهدات قبلی.

در این مورد بعضی ها از جمله محمد اکرام اندیشمند - مؤلف کتاب "ما و پاکستان" به این نظر اند که تصویب همچو موضوع از طرف شورای ملی خارج از صلاحیت آن شورا بوده و در هیچ یک از 37 ماده (از ماده 40 تا ماده 66) مربوط به وظایف و صلاحیت های شورای ملی مندرج قانون اساسی سال 1309 که تا سال 1343 نافذ بود، الغای معاهدات دولت های گذشته افغانستان با دول و ممالک خارج تذکار نیافته است، چنانکه اندیشمند می نویسد: «در ماده 46 اصول اساسی دولت علیه افغانستان (قانون اساسی 1309) وظیفه و صلاحیت شورای ملی در مورد عقد معاهدات اینگونه تبیین میشود: "عقد مقاولات و معاهدات، اعطای امتیازات (انحصار) اعم از تجارتي و صنعتی و فلاحتی و غیره خواه از طرف داخله باشد یا خارجه بتصویب شورای ملی میرسد."» از این گفته برمی آید که در مورد صلاحیت الغای همچو معاهدات به وسیله شورای ملی در قانون اساسی آنوقت هیچ تذکری داده نشده است. (برای شرح مزید دیده شود: اندیشمند، محمد اکرام: "ما و پاکستان"، چاپ دوم، کابل، 2009، صفحه 172 تا 175)

با وجود همچو مصوبه و اعلام الغای معاهده دیورند از طرف شورای ملی، بازهم دولت افغانستان نخواست تا موضوع را به حیث یک ادعای ارضی و به عبارت دیگر بطلان خط دیورند پیش ببرد، بلکه دولت در مطرح ساختن حق تعیین سرنوشت و خود مختاری قبایل آزاد یعنی آنهائیکه بین خط دیورند و "سرحد اداری" مسکون بودند، تلاش میکرد. اما حکومت پاکستان از اوضاع استفاده کرده به سرعت جرگه بزرگ "چهار سده" را درهم کوبید و رهبران سیاسی را به زندان افگند و تمام فشار خود را برای حذف هویت پشتونستان محکوم یعنی "شرق سرحد اداری" وارد نمود و پشتونهای وفادار به پاکستان را به مقامهای بالا تا ریاست جمهوری ارتقا داد.

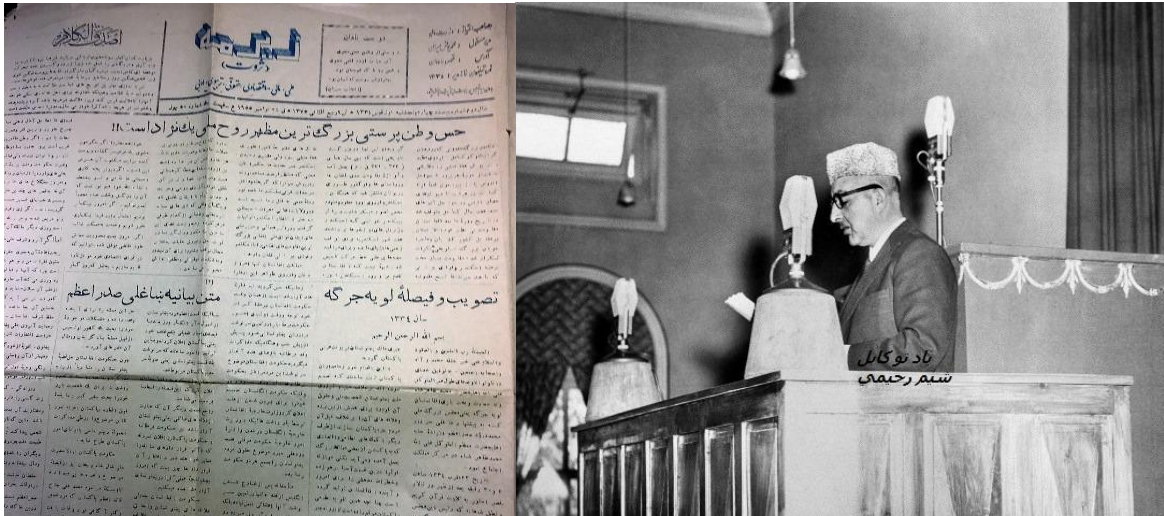
### متن بیانیه محمد داود صدراعظم درلویه جرگه 1334:

(این بیانیه بطور مکمل بعد از نشر بار اول در همان سال در هیچ جای دیگر به نشر نرسیده و از آن به بعد دیگران فقط با نشر دو پراگراف اخیر آن اکتفا کرده اند. اینک بعد از گذشت 63 سال میخواهم آنرا به حیث یک سند مهم تاریخی خدمت علاقمندان تقدیم دارم)

بسم الله الرحمن الرحيم

شاغلی محترم رئیس لویه جرگه و نمایندگان محترم مردم!

زمانیکه حس گردید نیم قاره هند آزاد شدنی است، از همان وقت حکومت افغانستان در مذاکرات خود توجه و دقت اولیای امور حکومت برطانیه را در تعیین سرنوشت برادران پشتونستانی خود پیش از پیش جلب و هنگامیکه مذاکرات وفد برطانیه با زعمای هند آغاز میگردد، حکومت افغانستان موضوع سرنوشت این مردم را باز بحکومت برطانوی یادآوری نمود و در وقتیکه حکومت انگلستان تصمیم خود را برای بیرون شدن از هند اعلان کرد، وزارت خارجه افغانستان توسط یادداشت هائیکه بوزارت خارجه انگلستان در لندن و اداره امور خارجه حکومت مؤقتی هند در دهلی سپرد، موضوع حقوق مردم پشتونستان را بسمع هر دو حکومت رسانید.



محمد داؤد صدراعظم افغانستان حین ایراد بیانیه در لویه جرگه 1334ش منعقدہ قصر "ستور" - شهر کابل

متأسفانه پس از خارج شدن انگلیس ها از هند نه تنها در تعیین سرنوشت آنها اعتنائی بعمل نیامد، بلکه برخلاف میل و آرزوی مردم دو شرط غیرطبیعی بالای شان تحمیل گردید که ایشان یا بکشور هندوستان و یا با پاکستان ملحق شوند. حالانکه ملت پشتونستان بیکی از آنها ملحق شدن را آرزو نداشت و برای خود مختاریت و آزادی میخواست.

از آنجا که حق و عدالت متأسفانه در دنیای کنونی کمتر دیده میشود، طبعاً باین آرزو و حقوق حقۀ آنها موقع داده نشد و بصورت تصنعی درمقابل دو سؤال الحاق به هند یا با پاکستان از آنها رایگیری بعمل آمد. مردم پشتونستان مطالبه نمودند که برای آنها یک سؤال دیگر هم که عبارت از انتخاب کشور آزاد خود شان باشد، گنجانیده شود، ولی این مطالبه آنها نیز پذیرفته نشد. ایشان با ریفراندم تجویز شده مقاطعه خود را اعلان نمودند. درین وقت در تحت اداره حاکم انگلیس قوای اردوی مسلح آمپایر هند برطانوی و پولیس اشغالی آنها این ریفراندم قطعی و یا به اصطلاح خود شان آزاد و عادلانه بعمل آمد و نتیجه آنرا هم که طبعاً پیش از پیش معلوم بود، درحالیکه قسمت اعظم مردم پشتونستان از شمول به آن انکار ورزیدند، [انگلیسها نتیجه را] با فیصدی بسیار ضعیفی بنفع خلف خود یعنی پاکستان اعلان کردند و باین ترتیب وانمود ساختند که سرنوشت یک قسمت پشتونستان یعنی صوبۀ سرحد به پاکستان مربوط شد.

د پانوی شمیره: له 4 تر 12

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولی

در همان وقت حکومت افغانستان اعلان کرد که این فیصله را قطعاً برسمیت نمی شناسد. راجع به قسمت دیگر آن که عبارت از علاقه های قبائلی یعنی پشتونستان آزاد باشد، نیز حکومت برطانیه و حکومت پاکستان اعلان نمودند که با آنها قرارداد های سابقه را معتبر خواهند شمرد. اعتبار آن قراردادها چیز نیست که امروز بچشم نتیجه عملی آنرا در پشتونستان آزاد مشاهده میکنیم.

حکومت افغانستان جدائی علاقه های پشتونستان و الحاق جبری صوبه سرحد را برخلاف آرزوی مردم پشتون هم برای ملت پشتون و هم از نظر صلح و سلامت این گوشه جهان مضر و وخیم دانسته عواقب ناگوار آنرا [متواتر] بتوجه اولیای امور پاکستان میرسانید.

در وقتیکه مرحوم محمدعلی جناح گورنرجنرال فقید پاکستان نوابزاده سعیدالله را به حیث نماینده خصوصی خود بکابل فرستاد، حکومت افغانستان تشویش خود را نسبت به عدم فیصله سرنوشت مردم پشتونستان به نامبرده اظهار و علاوه نمود که پیشنهادات او برای امضای معاهده مؤدت در صورتیکه سرنوشت مردم پشتونستان معین نشود، عملی شناخته نمیشود. نماینده موصوف عدم صلاحیت خود را در باره مذاکرات مربوط به سرنوشت مردم پشتون وانمود کرد.

حکومت برای این مطلب نماینده مخصوصیکه عبارت از شاغلی دکتور نجیب الله خان باشد، به کراچی فرستاد. در مذاکرتیکه اولیای امور پاکستان با نامبرده نمودند، خلاصه آن نشر شده است. آنها حل این مسئله را برای آینده وعده داده و مشکلات موجوده خود را بحیث یک کشور نو تأسیس از قبیل مسئله پناه گزینان و امثال آن عذر های آوردند.

چون حکومت افغانستان حل قضیه پشتونستان را متماداً از راه مذاکره و مفاهمه دوستانه تصمیم داشت، بنابراین یک شخصیت بارز خود را به حیث سفیر کبیر و نماینده فوق العاده به پاکستان اعزام نمود تا این موضوع را در طی مذاکرات معموله دیپلوماسی با اولیای امور پاکستان مطرح نماید.

حکومت پاکستان به والاحضرت مارشال شاه ولیخان نیز از فیصله موضوع وعده هایی میدادند؛ تا اینکه مرحوم محمد علی جناح قائد اعظم پاکستان که مرد مدبر و کار آگاهی بود، وفات یافت و وعده های او را نیز زمامداران پاکستان فراموش کردند، تاجائیکه گورنرجنرال جدید پاکستان [خواجه ناظم الدین] علاقه های قبائل آزاد را نیز جزء پاکستان اعلان کرد.

حکومت افغانستان اعتراض شدید خود را نسبت باین خلاف ورزی به اطلاع حکومت پاکستان رسانید و بیانیه گورنرجنرال را درباره علاقه های قبائلی تردید نمود و بصورت پروتست سفیر کبیر خود را بکابل احضار داشت.

تا اینوقت مردم پشتونستان وعده های حکومت پاکستان و اقدامات حکومت افغانستان را انتظار میبردند و چون دیدند که انتظار سودی ندارد، به تشکیلات ملی خود پرداختند، در علاقه های آزاد پشتونستان شورای های ملی و ایالتی تشکیل گردید. این شوراها بین هم ارتباط قایم نمودند و حکومتات موقتی تشکیل دادند و به نشر جراید و تشکیلات ملی آغاز نمودند. در پشتونستان محکوم نیز آزادی خواهان و حزب خدائی خدمتگار که قبلاً ارتباط خود را با احزاب سابق هند قطع نموده بودند، به مطالبه ملی خود آغاز نمودند، حزب انجمن وطن بلوچستان نیز با آزادی خواهان صوبه سرحد اشتراک هدف و مطالبه خود را اعلان کرد.



حکومت پاکستان در مقابل این نهضت به اقدامات عنیف و شدید پرداخت؛ اولاً در مقابل افغانستان به تولید مشکلات ترانزیتی و اقتصادی و پروپاگندهای مطبوعاتی آغاز نمود [از طریق نشر برنامه معروف مهرخان]، آزادیخواهان پشتونستان محکوم را در محابس افگند، مؤسسات ملی، جراید ملی و زعمای ملی آنها را از بین برد، در مقابل حرکات آزادی خواهانه پشتونستان آزاد به بمباری و تجاوز مسلحانه پرداخت، حتی دامنه این بمباری ها تا خاک افغانستان نیز رسید، چنانچه از واقعه "مُغلی" (1) نمایندگان محترم اطلاع دارند.

حکومت پاکستان از بدگویی و اقدامات علیه حکومت افغانستان نیز خودداری نرزید و بعضی از مطرودین ملی [مقصد احتمالاً از پوهاند عبدالحی حبیبی است که در آنوقت از کشور فرار و به پاکستان پناهنده شده بود] را در سرحدات مملکت بصورت آله پروپاگند بر علیه افغانستان استعمال نمود که نتیجه نه بخشید.

این کشیدگی اوضاع را حکومت افغانستان آرزو نداشت و چون عواقب آن ناگوار بود، وخامت آنرا به اطلاع دول متحابه و دوست هردو کشور میرساند، شخصیت های افغانی هنگام مسافرت به خارج و یا مؤسسه ملل متحد هم به اولیای امور پاکستان و هم دول متحابه نتایج ناگوار این وقایع را خاطر نشان میساختند.

در اینوقت حکومت امریکا به هردو حکومت پیشنهاد دوستانه نمود که به تبادل سفر و توقف نشرات مخالفانه و اعمال نفوذ برای آرامی در سرحد و مذاکره درباره آن توصیه می نمود. حکومت افغانستان این پیشنهاد را با جزئی تعدیل قبول ولی پاکستان آن را رد کرد.

هنگامیکه پاکستان اگریمان سفیر کبیر کنونی خود را مطالبه نمود، حکومت افغانستان توأم با حسن نیت آمادگی خود را برای آمدن مذکور اظهار کرد. نامبرده بیک سلسله مذاکراتی آغاز نمود که بالاخره در آن هیچگونه اطمینان درباره فیصله سرنوشت مردم پشتونستان دیده نشد و چون حکومت پاکستان برای مذاکره درین مسئله حاضر نمی شد، حکومت افغانستان از فرستادن سفیر کبیر به کراچی خودداری می نمود، چونکه این اقدام را بیضرورت [بی لزوم] می دانست.

هنگامیکه "فلیپ جسپ" سفیر کبیرسیار حکومت امریکا برای یک مسافرت مؤقتی بکابل آمد و نیز هنگامیکه "جارج مکی" معین امور شرق در وزارت خارجه امریکا مسافرتی به افغانستان نمود، حکومت افغانستان گزارشات [گزارشات] موضوع را برای شان کاملاً حالی گردانید. هنگامیکه والاحضرت مرحوم سردار محمدهاشم خان برای معالجه بخارج عزیمت مینمودند، دو مرتبه از طرف حکومت مامور گردیدند که در کراچی با اولیای امور پاکستان مذاکراتی بنمایند.

همچنان والاحضرت سپه سالار غازی سردار شاه محمود خان حین مسافرت شان بخارج در هر جائیکه رسیدند و با اشخاص مهمی که برخوردند، از اظهار این حقیقت خودداری نفرمودند و توجه شانرا در حل مسالمت کارانه این قضیه مهم جلب نمودند.

هنگامیکه شاغلی وزیر خارجه امریکا به مسافرات آسیائی خود آغاز نمود، از طرف افغانستان سفیر کبیر اعلیحضرت در دهلی مامور گردید که عواقب این اوضاع را به اطلاع او برساند.

پس از آنکه عم محترم من والاحضرت سپه سالار غازی سردار شاه محمود خان از عهده صدارت استعفا دادند و بنده متصدی امور حکومت گردیدم، کوشش نمودم که مساعی ممکنه از راه دیپلماسی بعمل آورده شود. چنانچه با اعزام یکنفر شارژدافیر به کراچی اقدام نمودم و منتظر بودم که وعده های حکومت پاکستان برای آغاز مذاکره صورت عمل بگیرد. هنگامیکه آقای ریچارد نکسن معاون

ریاست جمهوری امریکا بکابل آمد، با او هم نقطه نظر و حسن نیت حکومت افغانستان را واضح ساختم، ولی متعاقب آن واقعاتی بعمل آمد که حل مسئله پشتونستان را هنوز مشکل تر ساخت.

حکومت امریکا و عده کمک نظامی را رسماً به پاکستان امضا کرد. این اقدام از یک طرف موازنه قوا را درین قسمت آسیا برهم زد و از طرف دیگر حکومت پاکستان را به مقابل مردم بیدفاع پشتونستان جدی تر ساخت و هکذا اندیشه تهدید پاکستان را برای افغانستان قویتر گردانید. در همان وقت حکومت افغانستان این اندیشه خود را به اطلاع حکومت امریکا رسانید. وزیر امور خارجه [افغانستان] حین مراجعت خود از مسافرت امریکا در اثر دعوت حکومت پاکستان از کراچی دیدن کرد و در موعد توقف خود با اولیای امور پاکستان و مخصوصاً صدراعظم سابق آن مملکت مذاکراتی بعمل آورد و طرفین به مفاهمه رسیدند که مشکلات خود را با تعیین هیئت های مسئول تحت بحث قرار دهند. متأسفانه این مفاهمه بنابر ابا و ورزیدن حکومت پاکستان از عملی ساختن آن عقیم ماند.

همچنان وزیر امور خارجه در مسافرت فوق و مسافرت مابعد خود در امریکا اندیشه های حکومت افغانستان را در این مورد به اطلاع نوات مسئول دولت امریکا رسانیده است. حکومت پاکستان با استفاده از اوضاع برای ادغام قطعی و نهائی علاقه های پشتونستان کمر بست و پلان "یک یونت"<sup>(2)</sup> را بوجود آورد و عکس العمل این اقدام در مردم افغانستان بسیار شدید بود.

چنانچه واقعه "پرچمها"<sup>(3)</sup> میان آمد. علی الرغم اظهار حسن نیت حکومت افغانستان برای حل این حادثه حکومت پاکستان سیاست عنودانه را پیش گرفت و نه تنها یک تهدید رسمی به افغانستان سپرد، بلکه بشتر از پنج ماه طبعی ترین حق این ملت را که حق تجارت و کسب معیشت است، تلف نمود و راه ترانزیت طبیعی دولت افغانستان را بکلی مسدود ساخت.

باوجود آنکه حکومت افغانستان قضیه "پرچمها" را باحسن نیت خاتمه داد، ولی حکومت پاکستان با اعلان عملی نمودن پلان یک یونت که در آن شمول جبری پشتونستان نیز داخل بود، دوباره هرگونه امکان بهبود علائق را بین مملکتین مختل ساخت.

من برای جلوگیری از عواقب وخیم این امر ملاقات مستقیم را از صدراعظم پاکستان خواهش کردم و چون نامبرده موضوع پشتونستان را مستثنی گردانید، این کوشش هم نتیجه نداد.

از آنجا که قضیه پشتونستان مربوط تعیین سرنوشت برادران پشتون ماست و در آن احساسات هر فرد ملت افغانستان دخیل است، بر علاوه حالات عادی حکومت ضروری دانست نمایندگان بیشتر ملت را به واسطه لویه جرگه نیز از حقایق آگاه [سازد] تا در این مورد تصمیم خود را صادر کنند. پس موضوع را حکومت بحضور اعلیحضرت معظم همایونی معروض داشته و احضار این جرگه بزرگ را استدعا نمود.

از گزارشات فوق، وکلای محترم لویه جرگه فهمیده خواهند بود که درین مدت طولانی و مخصوصاً در این ظرف هشت سال اخیر [از ایجاد پاکستان در 1947 تا 1955 تدویر لویه جرگه] از طرف حکومت افغانستان اقداماتی بعمل آمده و تا حد ممکن کوشش شده از راه مفاهمه دوستانه اهمیت موضوع را به زمامداران مسئول پاکستان حالی سازند و برای حل مسالمت جویانه آن به فیصله برسند. متأسفانه که تمام مساعی حکومت مختلف افغانستان بجای نرسید، بلکه نتیجه آخرین آن ادغام جبری مردم پشتونستان در یونت غربی پاکستان گردید و به این صورت آخرین امید ملیون ها برادر پشتونستانی ما به یأس مبدل گردید.

با این اقدام خود زمامداران پاکستان ثابت ساختند که تصمیم گرفته اند برخلاف میل و آرزوی ملت پشتونستان شخصیت ملی و حقوقی آن قوم را خدای ناخوسته برای همیشه از بین برده و علاقه های آن را برخلاف میل آن مردم جزء لایتنجای پاکستان بسازند.

از طرف دیگر با کمکهای نظامی و اقتصادی که به پاکستان بعمل آمده و می آید، بکلی موازنه قوا را درین قسمت آسیا برهم زده و خطرات مدهشی را برای امروز و آینده افغانستان تولید کرده است، چنانچه همین تقویة نظامی به پاکستان موقع داده است تا از راه جبر و ظلم بیشتری حقوق مردم پشتونستان را پایمال ساخته و برای نابودی و امحای آنها قدم های درشت و سنگین بردارند.

بنده به حیث صدراعظم و خدمتگار قوم وظیفه وجدانی و ملی خود را ایفا کرده نخواهم بود، اگر حقایق و خطراتی را که نظر به توضیحات فوق افغانستان در آینده به آن مواجه شدنی است، پیش از پیش به اطلاع نمایندگان محترم ملت افغانستان رسانیده نمی باشم [نرسانم].

با توضیحات فوق بهتر است خدمت وکلای محترم ملت با کمال وضاحت روشن سازم که درین موقع مهم و تاریخی دو نقطه بارز برای فیصله نزد حکومت و ملت افغانستان عرض وجود میکند:

1 - آیا حکومت افغانستان صدای تظلم و ندای مصرانه مردم پشتونستان را مربوط حمایه حقوق مسلم آن برادران خون شریک خود لیبک بگوید و حقوق مشروع و مسلم شانرا حمایه کند، یا نه؟

2 - چون موازنه قوا با کمک تسلیحاتی که با پاکستان کرده شده و میشود، دراین منطقه کاملاً بهم خورده، آیا حکومت افغانستان برای بقا و محافظه شرافت ملی خود بغرض تقویة دفاعی مملکت اقدام نماید، یا خیر؟

درخاتمه باید گفت: تصمیماتی که وکلای محترم لویه جرگه درین موقع تاریخی گرفتنی هستند، تأثیر مهم و بزرگی درحالت و سرنوشت آینده ملت دارد و من از خدای بزرگ و توانای خود تمنا دارم تصمیم نمایندگان ملت آن چیزی باشد که در آن خیر و سعادت، شرافت و ناموس ملت افغان تأمین و محافظه شده باشد. پاینده باد افغانستان - زنده باد شاه ما (پایان بیانیه محمد داؤد درلویه جرگه 1334)

### متن تصویب و فیصله لویه جرگه سال 1334ش:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العلمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله واصحابه اجمعين

به توفیق خدای دانا و توانا و به دعای طول عمر المتوکل علی الله اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و به سعادت و بخت یاری افغانستان، لویه جرگه یعنی مجلس بزرگ ملی که به پیشنهاد شاغلی سردار محمد داؤد صدراعظم و اراده سنیة اعلیحضرت معظم همایونی المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه در مرکز مملکت اجتماع نمود.

بتاریخ 22 عقرب 1334 ساعت 2 و 30 دقیقه بعد از ظهر در تالار قصر "ستور" به تلاوت قرآن کریم و نطق شاهانه که رئیس مجلس بزرگ ملی می باشند، افتتاح گردید و به سببیکه ذات ملوکانه درتمام جلسات لویه جرگه حضور بهمرسانیده نمی توانستند، به شاغلی محمد نوروز رئیس دوره نهم شورای ملی امر فرمودند که مجلس را به انتخاب یکنفر نائب رئیس دعوت نماید. هنگامیکه اعلیحضرت معظم همایونی از سالون اجتماع لویه جرگه تشریف فرما گردیدند، حسب الامر او الامر

د پانوی شمیره: له 8 تر 12

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ



معظم مجلس به انتخاب نایب رئیس دعوت شد و در نتیجه شاغلی محمد گل مهمند وکیل نرنگ و باسول ولایت مشرقی به نیابت ریاست مجلس لویه جرگه منتخب گردید.

سپس به اجازه شاغلی نایب رئیس شاغلی صدراعظم بیانات مفصل خود را در موضوع حقوق مردم پشتونستان بحضور مجلس قرائت نمود و خاطر نشان ساخت که حکومت افغانستان در مدت هشت سال سعی و کوشش نمود تا از راه مفاهمه دوستانه اهمیت موضوع را به زمامداران پاکستان حالی سازد و برای حل مسالمت جویانه آن به فیصله برسد. متأسفانه که تماماً مساعی حکومت افغانستان بجائی نرسید، بلکه آخرین نتیجه آن ادغام جبری خاک پشتونستان در یونت غربی پاکستان گردید.

با این اقدام خود زمامداران پاکستان ثابت ساختند که تصمیم [اتخاذ] نموده اند برخلاف میل و آرزوی ملت پشتونستان شخصیت ملی و حقوقی آن قوم را برای همیشه از بین برده و علاقه های آن را برخلاف میل آن مردم جزء پاکستان بسازند. از طرف دیگر با کمکهای نظامی و اقتصادی که به پاکستان از طرف بعضی ممالک بزرگ بعمل آمده و می آید، بکلی موازنه قوا را درین قسمت آسیا برهم زده و خطرات مدهشی را برای امروز و آینده افغانستان تولید کرده است، چنانچه همین تقویة نظامی به پاکستان موقع داده است تا از راه جبر و ظلم بیشتری حقوق مردم پشتونستان را پایمال ساخته و برای نابودی و امحای آنها قدم های درشت و سنگین بردارند.

شاغلی صدراعظم بعد از دادن توضیحات مفصل اظهار نمود که بنده به حیث خدمتگار قوم وظیفه وجدانی و ملی خود میدانم: حقایق و خطراتی را که افغانستان به آن مواجه شدنی است، به اطلاع نمایندگان محترم ملت برسانم و با کمال وضاحت روشن بسازم که درین موقع مهم و تاریخی دو نقطه بارز برای فیصله نزد حکومت و ملت افغانستان عرض وجود میکند:

1 - آیا حکومت افغانستان صدای تظلم و ندای مصرانه مردم پشتونستان را مربوط حمایت حقوق مسلم آن برادران خون شریک خود لبیک بگوید و حقوق مشروع و مسلم شانرا حمایه کند، یا نه؟  
2 - چون موازنه قوا با کمک تسلیحاتی که با پاکستان کرده شده و میشود، دراین منطقه کاملاً بهم خورده، آیا حکومت افغانستان برای بقا و محافظه شرافت ملی خود بغرض تقویة دفاعی مملکت اقدام نماید، یا خیر؟

بعد از شنیدن بیانات شاغلی صدراعظم اعضای لویه جرگه با اجازه شاغلی نایب رئیس به مذاکرات و اظهار نظر پرداختند و از روز اول انعقاد مجلس تا روز سوم که 24 عقرب است، سه روز متوالی با حضور 271 نفر وکلاء ملت در اطراف پیشنهاد حکومت بحث و مذاقه بعمل آمد و بعضی از نمایندگان ملت از نزد شاغلی صدراعظم سوالاتی نمودند و جوابات قناعت بخش گرفتند.

بتاریخ 26 عقرب لویه جرگه باز تحت ریاست نایب رئیس انعقاد یافت و بعد از مذاکرات و بیانات و پرسشات وکلا و توضیحات شاغلی صدراعظم و سائر اعضاء حکومت کمسیون از طرف لویه جرگه تعیین گردید تا فیصله آخری لویه جرگه را تسوید و به مجلس عمومی حاضر دارند و به تاریخ 27 عقرب مجلس لویه جرگه مکرراً طبق معمول تشکیل جلسه داد و به اتفاق آراء باین نتیجه رسید:

1 - حمایت حق تعیین سرنوشت مردم پشتونستان که برادران همکیش و همنژاد ما هستند، بنا بر درخواست عامه توده مردم پشتونستان وظیفه ملت و حکومت افغانستان است بناءً علیهذا لویه جرگه بحکومت توصیه میکند که مطابق ایجابات اوامر شرعی و اشتراک تاریخ و عرق و کلتور از درخواست عامه مردم پشتونستان برای حق تعیین سرنوشت آنها حمایت نمایند.

2 - نظر به سیاست موجوده حکومت پاکستان مخصوصاً بهم خوردن توازن قوا درین منطقه که در اثر گرفتن کهمک [کمک] های نظامی از ممالک بزرگ از طرف پاکستان بوجود آمده، اضرار اراده سوء و اقدامات خطرناک پاکستان به افغانستان نیز متوجه گردیده است، پس در چنین موقع پرخطر وظیفه حکومت است مملکت را نظر بفریضه حفاظت استقلال و تمامیت ملی تقویه کند.

بناءً علیه لویه جرگه بملاحظه ایجابات و ضرورت وقت حکومت را توصیه میکند تا بهر گونه طرق و وسایل که ممکن باشد و بهر قسمیکه بصورت شرافتمندانه که میسر شود، مملکت را بغرض دفاع مجهز و تقویه نماید.

3 - لویه جرگه به نمایندگی از ملت افغانستان اعلام میدارد که بهیچ وجه صورت علاقه های پشتونستان را برخلاف میل و آرزوی خود ملت پشتونستان جزء خاک پاکستان ندانسته و درین مورد تصویب نمبر 72 تاریخی 23 میزان 1334 مجلسین شورای ملی و اعیان را تأیید و تصدیق مینماید.

در خاتمه لویه جرگه به پشتیبانی هر سه مقصد فوق آمادگی ملت را بحکومت وعده و اطمینان میدهد. و من الله التوفیق و علیه التکلان. (پایان متن تصویب و فیصله لویه جرگه سال 1334)

### مصوبه مجلسین شورای ملی و اعیان:

به ملاحظه محتوای فقره شماره 3 "تصویب و فیصله لویه جرگه" که در فوق ذکر شد، موضوع به یک تصویب دیگر تحت شماره 72 تاریخی 23 میزان 1334 مجلسین شورای ملی و اعیان رویت داده شده و در تصویب مورد نظر چنین آمده است:

بتاریخ روز دوشنبه 23 میزان 1334 در حالیکه وکلای شورای ملی و اعیان با روسای مجلسین محمد نوروزخان رئیس شورا و فضل احمد خان مجددی رئیس اعیان حضور داشتند، در اثر اعلامیه یک شب قبل از دارالانشای شورای ملی در قصر سلامخانه جلسه فوق العاده تشکیل دادند.

بساعت 11 قبل از ظهر شاغلی سردار محمد داؤد صدراعظم با هیأت کابینه به اجازه مجلسین داخل مجلس گردیده به اجازه شاغلی رئیس شورای ملی قضایای تاریخی پشتونستان را با تمام اجراءات دیپلوماسی و سیاست حکومت افغانستان که اخیراً در راه تأمین حقوق مردم پشتونستان و تعیین سرنوشت آنها طبق آرای عام خود پشتونستانی ها اتخاذ نموده بود، با اقدامات غیرقانونی تجاوز کارانه حکومت پاکستان مخصوصاً اقدامات اخیر آن که خاک پشتونستان را بدون مراجعه به آرای عامه و رضایت مردم پشتونستان در یونت غربی پاکستان مدغم کرده است، به مجلس مفصلاً گزارش و نظریه مجلسین را نسبت به خط مشی و تعقیب سیاست آینده افغانستان در مسئله پشتونستان خواستار شد که بعد از استماع راپور شاغلی صدراعظم مجلس به اتفاق آراء چنین تصویب کرد:

1 - اقداماتی که حکومت افغانستان تا امروز در مسئله پشتونستان به عمل آورده کاملاً موافق بروی تصویبی است که قبلاً به تاریخ 10 سرطان 1328 از طرف شورای ملی افغانستان اعلان گردیده و به آرزو و آمال ملت توافق کامل دارد.

2 - امروز حکومت پاکستان خلاف عدالت بشری و مغایر منشور ملل متحد به حقوق میلیون ها مردم پشتونستان دست تخطی دراز کرده و بدون مراجعت به آرای عامه سرنوشت اهالی پشتونستان را جبراً با یونت پاکستان غربی مربوط میگردد، تجاوز سریع دانسته، تقبیح میکند و یک بار دیگر

اعلام میکند که ملت افغانستان به هیچ صورت خاک پشتونستان را بدون رأی آزاد خود اهالی آنجا جزء خاک پاکستان نشناخته و نمی شناسد.

3 - ارتباط ملت افغانستان با مردم پشتونستان از نقطه نظر دین، تاریخ، کلتور، نژاد و یک رشته قوی و ناگسستگی بوده و هیچ قدرتی به یاری خداوند این میلان طبیعی و علایق لاینقطع را از بین برده نمی تواند، اینست که پشتیبانی خود را از حقوق حقه آنها یکبار دیگر تأیید می کند.

لهذا مجلسین شورای ملی و اعیان به نمایندگی از تمنیات عموم طبقات ملت افغانستان سیاست حکومت شاعلی سردار محمد داؤد صدراعظم افغانستان را در مورد پشتونستان با اعتماد کامل تأیید و پشتیبانی خود را نسبت به هر اقدام که برای رسیدن به این هدف ملی از طرف حکومت مقتضی دیده شود، اظهار میدارند. پایان فیصله مجلسین (صابر هروی، محمد محسن: "آئینه شوری"، جلد اول، صفحه 260 تا 262 - به استناد سالنامه 1334)

### رویدادهای بعدی و تیره شدن روابط با پاکستان:

مردم بلوچ از اینکه حکومت افغانستان تأکید خود را بیشتر به حق تعیین سرنوشت مردم پشتونستان معطوف کرده بود و از حقوق بلوچ ها کمتر یادآوری میکرد، گلایه داشتند، بخصوص زمانی که قیام بلوچ ها کسب شدت و مارشال ایوب خان آنرا با بیرحمی سرکوب نمود، این گلایه ها بیشتر شد. همان بود که حکومت افغانستان سردار محمد نعیم وزیر خارجه را در ماه جنوری 1960 به پاکستان اعزام کرد، اما بجای اینکه چنین مذاکرات به نتیجه برسد، برعکس مارشال ایوب رئیس جمهور پاکستان که به پشتو صحبت میکرد با ابراز این مطلب که گویا اردوی پاکستان این قدرت را دارد که در ظرف چند ساعت کابل را اشغال کند، فضای مذاکره را به بن بست کشانید و حتی منظور قادر وزیر خارجه وقت پاکستان بعداً بیان داشت که: «چون دو سوم پشتونها در پاکستان ماوا دارند و فقط یک سوم در افغانستان بسر می برند، برای اقلیت معقول تر خواهد بود که به اکثریت ملحق شوند.» (اندیشمند: "ما و پاکستان"، ... صفحه 243، برگرفته از کتاب: "تاریخ روابط خارجی پاکستان" صفحه 99)

در ادامه همین کشیدگی ها بتاريخ 13 آگست 1960 دو طیاره پاکستانی وارد فضای افغانستان شدند که توسط طیارات جنگی افغانستان مجبور به نشست در میدان هوایی قندهار گردیدند. با آنکه یک ماه بعد طیاره ها با معذرت خواهی حکومت پاکستان به دلیل اشتباه پیلوتها دوباره به پاکستان مسترد شدند، اما روابط بین دو کشور پس از بروز شورش پشتونها و بلوچ ها در حواشی سرحدات افغانستان علیه حکومت پاکستان رو به تیره شدن گذاشت، زیرا حکومت پاکستان انگیزه شورش ها را به حکومت افغانستان نسبت میداد و حکومت افغانستان آنرا تردید میکرد. در همین احوال در 6 جون 1961 محمد داؤد پاکستان را متهم به بمبارد مناطق سرحدی افغانستان کرد و ادعا نمود که حکومت پاکستان بیش از هزار تن مبارزان پشتون را به زندان افکنده است و نیز اینکه حکومت پاکستان بر ورود کوچی های افغان به پاکستان قیود ویژه را وضع کرد، شکایت داشت. در قبال این رویداد ها تبلیغات سوء بین دو کشور به اوج خود رسید و در نتیجه پاکستان بتاريخ 23 آگست 1961 قنسلگری های افغانستان را در آن کشور مسدود کرد و اعلام نمود که توافقات ترازیتی را با افغانستان لغو میکند. این عوامل موجب شد که محمد داؤد صدراعظم افغانستان از پاکستان تقاضا کند تا در ظرف یک ماه قنسلگری های افغانستان در آن کشور را مجدداً باز کند، در غیر آن روابط سیاسی بین دو کشور را قطع خواهد کرد. متأسفانه وضع دوام یافت و سردار محمد داؤد پس از برگشت از کنفرانس کشورهای غیرمنسلک منعقد بلگراد تصمیم خود را مبنی بر قطع روابط سیاسی با پاکستان بتاريخ 6 سپتمبر

د پانو شمیره: له 11 تر 12

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

1961 اعلام نمود که این تصمیم او نه تنها در حل معضله کمک نکرد، بلکه افغانستان را در یک موقف دشوار بخصوص از ناحیه ترانزیت اموال تجارتي قرار داد که به نظر بعضی ها مشکلات ناشی از این تصمیم در استعفی محمد داؤد از مقام صدارت نقش داشت.

پاورقی ها:

**(1)** اراکین دولت پاکستان به کمک مشاوران انگلیسی که تا آنوقت در پاکستان خدمت میکردند، وقتی جدیت موقف افغانستان را در قضیه پشتونستان مشاهده کردند، به این فکر افتادند تا حکومت افغانستان را با تهدید تغییر رژیم به صرف نظر کردن از ادعای پشتونستان و ادار سازند. به همین مقصد سردار امین جان برادر شاه امان الله را که از رنگون به پاکستان آمده بود و در آنجا می زیست، مورد نظر قرار دادند. موصوف به تحریک پاکستان به حواشی سرحد آمد و در صدد جمع آوری لشکر از قوم مسعود (میسود) درآمد و در ظرف چند روز با یک لشکر ده هزار نفری بطرف افغانستان حرکت کرد. در این موقع پاکستانی ها جهت تقویه او طیارات خود را فرستادند و قریه مغلکی را که در آن عساکر افغانی و قوای قومی تمرکز داشتند، بمبارد کردند که در اثر آن عده ای مقتول و مجروح شدند. این واقعه در سال 1947 (مصادف با خزان 1328) در زمان صدارت شاه محمود خان غازی صورت گرفت. (برای شرح مزید دیده شود کتاب: "خاطرات سیاسی سیدقاسم رشتیا"، صفحه 66 و 67)

**(2)** - در سال 1954 حکومت افغانستان سعی کرد تا در موضوع پشتونستان با پاکستان به موافقه برسد و حکومت پاکستان هم در اول بی میل نبود، زیرا آنها درگیر یک موضوع بزرگتر یعنی معضله کشمیر با هند بودند. اما اوضاع داخلی پاکستان طوری بود که آزادی عمل شانرا محدود می ساخت، چون پاکستان در هنگام تأسیس به دو قسمت غربی و شرق منقسم شده بود که از هم در فاصله بیش از 1600 کیلومتر قرار داشتند. قسمت بیشتر نفوس پاکستان در بنگال [بنگله دیش امروزی] در پاکستان شرقی زندگی میکردند که همه شان را بنگالیان تشکیل میدادند، درحالیکه پاکستان غربی دارای نفوس کمتر و متشکل از اقوام سندی، پنجابی، بلوچ و پشتون بودند و به ولایات صوبه سرحد، بلوچستان، سند و پنجاب تقسیم شده بودند و اما حکومت مقیم در پاکستان غربی در نظر داشت تا قدرت بیشتر در آنجا در دست داشته باشند و لذا این موضوع مشکلات را بین پاکستان غربی و شرقی بار آورده بود. زعمای پاکستان تصمیم گرفتند تا هر چهار قسمت پاکستان غربی را به زیر نام یک واحد اداری یعنی یک "یونت" در آورند تا تعادل نسبی را بین شرقی و غربی تا حدی حفظ کنند. این تغییر که در آغاز 1955 اعلام شد، در واقع حق تعیین سرنوشت پشتون ها را که افغانستان از آن حمایت میکرد، بکلی نادیده گرفت و پشتون ها را مدغم در یونت واحد پاکستان غربی ساخت. اینکار موجب بروز کشیدگی های جدی بین افغانستان و پاکستان گردید.

**(3)** - مقصد از حادثه "پرچمها" همانا جریانی است که متعاقب اعلام تشکیل یک "یونت" در پاکستان غربی مظاهره بزرگی در کابل براه افتاد (البته به رهنمائی غیرمستقیم حکومت) که در نوع خود قبلاً در افغانستان نظیر نداشت. امر شده بود که متعلمین صنوف متوسطه و بالاتر لیسه های کابل را نیز به مظاهره سهیم سازند. اینجانب در آن سال در صنف هفتم لیسه حبیبیه قرار داشتم و مظاهره از شروع جاده میوند آغاز گردید و تا وقتی به مسجد پل خشتی رسید، آنقدر جمع و جوش مردم زیاد شد که راه های مسدود گردیدند. بهرحال تعداد کثیری در برابر سفارت پاکستان که در مقابل وزارت خارجه قرار داشت، بیشتر تجمع کرده و معلوم نشد که چگونه چند جوان از دیوار سفارت بالا رفته و پس از شکستادن شیشه های سفارت بیرق (پرچم) پاکستان را فرود آورده و توهین کردند که در آن زمان یک عمل بس جدی تلقی می شد و اینکار در قنسلگریهای پاکستان در جلال آباد و قندهار نیز صورت گرفت. سپس عین عمل را پاکستانی ها به حیث رویه بالمثل در سفارت افغانی و قونسلگر های آن در پاکستان انجام دادند و به بیرق افغانستان توهین نمودند که در اثر آن روابط بین دو کشور منقطع شد و عواقب بعدی آن به شمول بستن راه ترانزیت و غیره برای افغانستان در داور بود.

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 12 تر 12

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ